



نگاهی به دیروز و امروز چوکا
که دوباره خیال درخشش دارد

آمه همه تالشیمون

انجام شده در چوکا باید ۷۵ هزار تن کاغذ تولید می‌شد اما این میزان هم‌اکنون به ۲ هزار و ۵۰۰ تن کاغذ کاهش یافته است. عوامل متعددی در ایجاد بحران در این واحد تولیدی دخیل هستند؛ یکی از مهم‌ترین عوامل دخالت برخی افراد سیاسی در امور مدیریتی کارخانه و تولیدات آن است که در هر دوره حواشی زیادی برای این مجموعه بزرگ تولیدی ایجاد می‌کند. مدیریت کارخانه بزرگی همانند چوکا هر چند سال یک بار به دلایل نامعلومی تغییر می‌کند. طی هشت سال گذشته ایران چوکا چهار مدیرعامل به خود دیده است. در هر دوره نیز مدیران وقت با دریافت وام‌های میلیاردی سعی در نوسازی و رونق تولید در این مجموعه کرده‌اند اما هیچ خروجی نداشته است. در حال حاضر نیز این کارخانه ۳۰۰ میلیارد تومان بدهی دارد و تولیدات آن از ۷۰ تا ۱۰۰ هزار تن به حداقل ۲ هزار تن رسیده است.»

تیم چوکا اما با مدیریت بخش خصوصی اداره می‌شود و حالا صعودش به لیگ یک شاید بتواند وضعیت مالی بهتری برای این باشگاه بسازد اما فراموش نکنیم که هزینه‌های تیمداری در لیگ یک نیز چند برابر می‌شود و این می‌تواند برای چوکا دردسرساز باشد. هنوز مشخص نیست که مالک فعلی باشگاه بتواند از پس سرمایه‌گذاری موفق در لیگ یک بر بیاید اما در خبرها می‌شنویم که فرشاد پیوس، سرمربی چوکا که تیم را از لیگ ۲ به لیگ دسته اول آورد می‌خواهد با هدف صعود به لیگ برتر فصل را شروع کند، هدفی که به نظر آسان نمی‌رسد.

صعود چوکا به لیگ دسته اول یک ماجراجویی تازه برای تالش‌هاست، آنها دوباره می‌خواهند خاطرات قلعه عقاب‌های دهه ۷۰ را بازسازی کنند و دوباره تیم پرتماشاگری در فوتبال ایران باشند. آیا دوباره تیمی سبزپوش و جذاب و بومی از تالش خودی نشان می‌دهد؟ ماجرا به آسانی دهه ۷۰ نیست.

نکته جالب درباره ورزشگاه پوریای ولی این بود که ضلعی از ورزشگاه جایگاه نداشت و سال‌ها زنان تالش علاقه‌مند به فوتبال با کودکان خود روی دشتی سبز به تماشای فوتبال می‌آمدند، با لباس‌های سنتی و رنگارنگ تالش‌ها که جلوه‌ای فراموش نشدنی به این ورزشگاه می‌داد. چوکا اما در دو دهه اخیر دیگر هرگز نتوانست به قدرت سابق خود برگردد. این تیم سال ۷۷ به رتبه ششم لیگ آزادگان (لیگ برتر فعلی) رسید و این رتبه برای یک تیم تازه‌وارد به سطح اول فوتبال ایران درخشان بود. آنها در بازی‌های خانگی نمی‌باختند و قلعه‌ای شکست‌ناپذیر در هشتبر خود ساخته بودند.

حالا سال‌های سال بود که چوکا حتی توان صعود از لیگ دسته دوم به لیگ یک را نداشت و سرمایه‌گذاری‌های کوچک محلی برای موفقیت کافی نبود. به شکل سنتی در سال‌های اخیر نماینده مردم تالش (یا هشتپر) در مجلس، اختیار تیم را در دست می‌گرفت و چوکا همچنان کارکرد سیاسی و اجتماعی در شهر داشت و می‌توانست نامزدهای انتخابات مجلس را به فرض کمک به چوکا، صاحب رأی کند. کارخانه چوب و کاغذ ایران اما دیگر توانایی اداره این تیم را ندارد و فقط نام این کارخانه روی تیم بومی تالش مانده است و به این دلیل تیم چوکا در سالیان گذشته از امکانات ورزشی کارخانه چوکا نیز بهره‌مند بوده اما دیگر خبری از سرمایه‌گذاری ورزشی این کارخانه نیست، اگر چه تیم همچنان برند کارخانه را تبلیغ می‌کند.

همین چندی پیش خبرگزاری ایلنا، حرف‌های کارگران کارخانه چوکا را منتشر کرده بود و مرور این حرف‌ها دلیل پایان سرمایه‌گذاری کارخانه چوکا در ورزش را نشان می‌دهد: «به گفته کارگران، در چند سال گذشته فعالیت چوکا دیگر رونق سابق را ندارد و از ابتدای سال جاری فعالیت تولیدی این واحد به حداقل رسیده است. کارگران این کارخانه با بیان اینکه هم‌اکنون تولید در این کارخانه رها شده است، می‌گویند طبق برنامه‌ریزی‌های

مازیار گیلکان

Mazyar Gilakan



«عقاب دوباره به قلعه برمی‌گردد و رفتنش را کسی باور نکرده است.» این عبارت را تالش‌ها شعارگونه می‌خوانند اما شعارهای دیگری هم دارند: «آمه همه تالشیمون اِشتَن چوکاَن خَشیمون» که صدای یک علاقه‌مندی بومی است، چیزی که بسیار پرخون در زنده ماندن فوتبال نقش دارد. فوتبال در هر گوشه، با خاطرات خصوصی شهروندان یک شهر کوچک، با علاقه شدیدی که شاید در شهر دیگری درکش نکنید، حیات پیدا می‌کند. چوکا که تیم کارخانه چوب و کاغذ ایران واقع در جاده بندرانزلی و تالش بود، سال ۷۰ فعالیت رسمی خود را آغاز کرد و در همان دهه ۷۰ توانست بدرخشد. نام چوکا از دو واژه چوب و کاغذ ساخته شده و کارخانه چوکا مالک این باشگاه بود. چوکا از آغاز فعالیتش هرگز تیم صنعتی و ثروتمندی نبود اما در دهه ۷۰ می‌توانست در مقیاس اقتصاد رایج در آن دهه فوتبال ایران، فرصت درخشش پیدا کند. بعدها اما فوتبال گران‌تر شد و کارخانه چوکا دیگر دلیلی برای باشگاهداری حرفه‌ای پیدا نکرد و چوکا سالیان سال را با مشکلات اقتصادی و مالکیتی گذراند.

دهه ۷۰ دوران خوش چوکا بود، دورانی که چوکا توانست هم خود نسلی را پرورش دهد و هم خانه تازه‌ای برای بازیکنان و مربیان انزلی‌چی و گیلک باشد. چهره‌های بزرگ و دیرپای ملوان مثل بهمن صالح‌نیا، مربیگری در چوکا را تجربه کردند و مراوده بازیکنان از انزلی به تالش رایج شده بود. چوکا اما قدرت اصلی خود را در اواسط دهه ۷۰ با ورزشگاه خانگی‌اش به دست آورد. ورزشگاه پوریای ولی تالش که به قلعه عقاب‌ها مشهور شد، کابوس تیم‌های میهمان بود، ورزشگاهی غیراستاندارد که بازی را برای حریف سخت می‌کرد و البته حضور تماشاگران به این سختی می‌افزود.

دلیل سقوط بارسا

باشگاهی دیگر برای کسب تجربه می‌تواند بهترین مسیر باشد. بازیکنانی مثل پیکه و فابریگاس از این مسیر به تیم اصلی بارسا رسیدند. فروش به شرط خرید. به طور مثال پیکه به منچستر فروخته شد با بند خرید در ۳ سال بعدی. این فرمول به بازیکن جوان فرصت کسب تجربه در باشگاه دیگر را می‌دهد تا پروسه توسعه بازیکن کامل شود.

بارسای کرویف مانند بارسای گواردیولا و انریکه کاملاً دی‌ان‌ای بارسا را داشت. از سیستم ۳-۴-۳ تا توتال فوتبال مطابق با نیازهای امروزی فوتبال دنیا. از نقش گوش‌های تهاجمی تا تأکید بر بازیسازی با پاس‌های کوتاه، از پرس شدید تا تأکید بر بازیس‌گیری توپ. این اصول بنیادی بازی بارسا از تیم‌های پایه و لاماسیا تا تیم اصلی قابل لمس و مشاهده است.

شکست ۸ بر ۲ برابر بایرن آخرین قطعه از سقوط بارسا بود. شروع این سقوط از روی برگرداندن این باشگاه از دی‌ان‌ای بارسا بود. ارتباط لاماسیا و تیم اصلی قطع شد. مربیانی با تفکرات متفاوت در رأس این تیم قرار گرفتند، حلقه اتصال لاماسیا و تیم اصلی از بین رفت و استعداد‌های باشگاه به تیم‌های دیگر منتقل شدند، سیستم تیم تغییر کرد، سبک و استایل بازی تیم تغییر کرد و سرانجام سقوط با شکست برابر بایرن کامل شد.

این تصویری روشن از نقش و تأثیر سبک و استایل، پایبندی به آن و توسعه بازیکنان و تیم براساس آن است. این فرمول موفقیت بارسا بود و حالا دلیل سقوط این تیم به دلیل عدم پایبندی به آن.

دهه قبل، دهه مربیان بود. فرگوسن و ونگر با حضور چند دهه‌ای در باشگاه‌های منچستر و آرسنال توانستند خودشان را به عنوان منیجر باشگاه و عامل موفقیت تیم نشان دهند ولی این دهه، دهه سبک و استایل بازی است. دهه دی‌ان‌ای باشگاه است و یافتن مربیان و بازیکنان مناسب سبک و استایل و یا با دی‌ان‌ای مشابه باشگاه. این مسیر موفقیت در فوتبال مدرن است.



سعید الهویی

مربی سپاهان

شکست ۸ بر ۲ بارسا برابر بایرن مونخ، تکه آخر پازل سقوط امپراتوری عظیمی بود که تنها بر اساس یک سبک و استایل بازی بنا نهاده شده بود. پیش از حضور کرویف در بارسا، چند سال قبل‌تر، هررای معروف با آن سیستم تدافعی سختگیرانه‌اش که به کاتانچیو معروف شده بود در بارسا کار می‌کرد و بدتر اینکه اصل غیر قابل تغییر برای ورود بازیکنان جوان به مدرسه فوتبال بارسا، قد حداقل ۱۶۸ سانتیمتر پیش از ۱۵ سالگی بود. ورود کرویف و ایجاد دی‌ان‌ای بارسا، استارت پایه‌گذاری امپراتوری عظیمی بود که طی دو دهه، توانست بزرگترین تأثیر را در تاریخ فوتبال اروپا و دنیا بگذارد، چه به عنوان تز و چه آنتی‌تز.

فینال لیگ قهرمانان اروپا و لحظه‌ای که بعد از تعویض سوم بارسا، هر ۱۱ بازیکن داخل زمین، دست‌پرورده لاماسیا بودند؛ یعنی همانجایی که بازیکنانی با دی‌ان‌ای بارسایی تولید می‌کند. از والدس و پویول و پیکه تا مسی و پدرو. لیستی طولانی از بازیکنانی که از لاماسیا به تیم اصلی رسیده‌اند. نقشه راه مشخص برای لاماسیا برای اینکه بداند چه استعدادی باید شکار شود و چه پروسه آموزشی باید طی شود تا این استعداد به کیفیت لازمه برای ورود به تیم اصلی برسد. در پایان این پروسه، زمان تصمیم‌گیری کادر فنی و مدیریتی است که آیا فضا در تیم اصلی برای ورود این بازیکن جوان وجود دارد یا خیر؟ بازیکنانی مثل ژاوی، اینیستا و مسی حاصل جواب مثبت هستند. اگر فضا برای حضور بازیکن جوان وجود نداشته باشد، قرض دادن این بازیکن به



ویژه‌نامه
آخر هفته

صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:

مهدی شفیعی

مدیر مسئول: علی عالی

دستیاران سردبیر:

آرمن ساروخانیان، رسول مجیدی، مجتبی رفیعی

سرویس فوتبال ایران:

ابراهیم افشار، فرشاد کاس‌نژاد، ناصر قراگزلو، وصال روحانی، حمیدرضا عرب، سعید آقایی، جعفر برزگر، امیر اسدی، محمد قراگزلو، هومن جعفری، اکبر منتشلو، سمیرا شیرمردی، بهناز میرمطهریان، مهدیه دریابیگی، حسین قهار، سامان موحدی، سام ستارزاده، نوید صراف، سالار علیخواه، مجتبی صدوقی، پویا جاویدان،

احسان محمدی، علی مغانی

سرویس ورزش جهان:

اشکان نعمت‌پور، یاسر احمدی، سیدعلی بلندنظر، حمید کشاورز

سرویس ورزش ایران:

آزاده پیراکوه، محسن وظیفه، رضا عباسپور،

محسن آجرلو، ناصر انصافی مقدم،

شکوفه موسوی، وحید جعفری

مدیر هنری: محسن ذاکری

صفحه آرایی: فرشید بهاری، حامد حسینی،

علی عباسی، نسرین کاظمی

عکس: نعیم احمدی

ویراستاران: مسعود قراگزلو، علیرضا عبدالوند،

مهرداد افشار، فرشته معتمدی، معصومه

مهدوی روشن، لیلا امیری، سیده زهرا آرامی

روابط عمومی: سمیه مهدی‌پور

سپاس ویژه از

بهمن فروتن، مجید جلالی، جلال چراغپور،

شهاب پاک‌نکر، رضا درویش

لیتوگرافی: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

چاپ: ایراتیان

آدرس: تهران، خیابان خرمشهر، پلاک ۲۰۸

تلفن: ۱۴-۴۱۱۳-۴۸۸۵۰۴۱۱۳؛ شماره: ۸۴۷۱۱۱۷۳

امور مشترکین: ۹۲۲۲۲۴۳۸

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۰۰۶۱۷